

دکتر فریدون اللهیاری (عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)

معصومه گودرزی (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ- گرایش ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان)

روابط اروپا با دربار مغول

چکیده

خصومت ایلخانان با مملوکان مصر و دشمنی دیرین ملل مسیحی با مسلمین مصر و شام از علل ارتباط دربار ایلخانان با دستگاه پاپ و دربارهای اروپا محسوب می شود. اروپایی ها با ابزار دین و جهت تبلیغ دین مسیحیت وارد شرق شدند و اطلاعات مردم شناسی و نظامی دست اولی بدست آوردند. اما این اظهار دوستی پاپ اعظم و پادشاهان اروپا با ایلخانان عاری از هرگونه نیت صادقانه بود و صرفاً جنبه مصلحت سیاسی و تبلیغ مذهبی داشت. روابط سیاسی مغولان و کشورهای مسیحی با مبادله هیأت‌های سیاسی جهت ترویج آیین مسیح و کسب امتیازات فوق العاده و خاتمه دادن به نفوذ مسلمین بود. روابط خانان مغول با اروپا همیشه دارای یک ثبات و به یک شکل نبود، گاهی این روابط پر رنگ و گاهی کم رنگ تر می شد و خوانین و شاهدان در گسترش این روابط نقش بسزایی داشتند. آنچه که مسلم است اروپاییان زیرکانه حداکثر استفاده را از این روابط بردند و زمانی که از جهت حمله مغولان آسوده خیال شدند مثل سایر ملل توانستند از عواقب مساعد مانند تشکیل امپراتوری مغول استفاده فراوانی ببرند.

این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه ای به ارزیابی روابط ایلخانان با اروپا و نحوه عملکرد این روابط و پیامدها و نتایج آن‌ها پردازد.

کلید واژه ها: ایلخانان، پاپ، کلیسا، اروپا، هیأت‌های مذهبی.

مقدمه

ایران زمین با جایگاه ویژه جغرافیایی پلی است بین آسیا و اروپا و از دیرباز همواره مورد توجه اقوام مختلف بوده است، که از جمله این اقوام زردپوستان آسیای میانه را می توان نام برد. آنها با داشتن محیط زیست نامناسب، سرمای سخت و زمین هایی که درخور کشت و گله داری نبود، اغلب به سرزمین های دیگر از جمله ایران و چین می تاختند. سرزمین مغولستان و ترکستان به دلیل دوری از دریاها و وجود ارتفاعات زیاد دارای هوای قاره ای بسیار متغیر می باشد یعنی در تابستان بسیار گرم و در زمستان بسیار سرد است. تاریخ داخلی این سرزمین عبارت است از یک رشته وقایع تاریخی بین قبایل ترک و مغول و جنگ و جدال آنها برای تصرف بهترین چراگاه ها و اغلب درگیری های آنها برای کسب چراگاه و مرتع برای احشام و فامیلشان. این قوم خانه به دوش، دشمن روستائیان و شهرنشینان بودند و تاب تحمل اقامت در یک مکان مشخص و معین را نداشتند و با یکجانشینی بیگانه بودند. با ظهور چنگیزخان و تشکیل امپراتوری مغول تحولات و دگرگونیهای شگرفی در شیوه زندگانی مغولان پدید آمد و دو ملت متمدن و کهنسال آسیایی چین و ایران، این صحراگردان آسیای میانه را به سوی تمدن و شهرنشینی هدایت نمودند و در زمان ایلخانان آنان را به پادشاهان این سرزمین تبدیل کردند. در این میان اروپاییان که در جنگهای صلیبی ناکام مانده بودند، متوجه ایلخانان شدند تا با کمک آنها دولت ممالیک که مانع اصلی آنها در فتح اورشلیم بود را از میان بردارند و همین امر سبب ایجاد روابط سیاسی اروپا با ایلخانان ایران شد.

پژوهشگاه ملی مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مغولان و اروپا

مهم ترین واقعه آغاز قرن سیزدهم افزایش قدرت مغولان و رسیدن آنها به یک قدرت جهانی بود. بر اساس اسناد به جای مانده از کشیش دومینکی اهل مجارستان، مغولان در این زمان از ثروت و شکوه بی نظیری برخوردار بودند و از لحاظ فنون جنگی و وسایل جنگی بسیار پیشرفته و مجهز بودند و در کاخ های بزرگ زندگی می کردند (ویلتس، ۱۲۵۳: ۵۷). امپراتوری مغولان به قدری گسترش یافت که به مدت یک قرن یا بیشتر ترسناک ترین و خطرناک ترین همسایه اروپا محسوب شد و نفوذ

بسیاری بر تجارت، سیاست و مذهب آن‌ها داشت (مورگان، ۱۳۷۱: ۱). هنگامی که اروپا سرگرم جنگ‌های صلیبی بود، مغولان روز به روز قدرت بیشتری می‌یافتند و زمانی که مردم اروپا تماشاگر اختلافات پاپ و فردریک بودند مغولان نیز گرفتار اختلاف برای انتخاب جانشین چنگیز بودند. زیرا بر حسب رسمی دیرین، کوچک‌ترین پسر وارث خانه و املاک پدری می‌شد ولی چنگیز خان اصول مزبور را زیر پا گذاشته سومین پسر یعنی اوکتای را به جانشینی انتخاب کرده بود (ویلتس، ۱۳۵۳: ۵۷).

پس از تاجگذاری اوکتای که با حضور خواتین و امراء و شاهزادگان انجام شد، وی تصمیم گرفت تا سپاهی گران آماده کند و اروپا را تسخیر نماید. این تصمیم برای جهان غرب متضمن نتایج اندوهباری بود. هجوم به غرب و تسخیر سراسر دنیا اندیشه و خواست چنگیز بود و اکنون اوکتای سعی داشت آرزوی پدر را عملی سازد، ولی از طرفی اوکتای، اعتیاد شدید به الکل پیدا کرده و توان اداره و رهبری امور را نداشت و کارها را به دیوانیان و زنان و نزدیکانش سپرده بود ولی با اصرار برادر کوچکترش تولوی و برادر زاده اش باتو که در پی افزایش قلمروش بود سپاهی در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر از چهار اولوس جمع آوری کردند و به سوی جنوب غربی سیری به راه افتادند. مغولان به کومانهای سفلی دره دون سراسر ناحیه ولگا حمله ور شدند و حتی شهر کیف را تسخیر کردند. بیشتر امیران روسیه غربی به لهستان و مجارستان گریخته و نزد بلای چهارم پادشاه این سرزمین پناه بردند (ویلتس، ۱۳۵۳: ۶۴).

تا زمانی که مغولان در مناطق مسلمان نشین و مرزهای شرقی در حال تاخت و تاز بودند، اروپاییان نه تنها واکنشی نشان ندادند بلکه آن‌ها را به فال نیک گرفتند و منتظر حذف رقیب بودند، حتی تا قبل از حمله مغولان به لهستان و مجارستان نمایندگانی از طرف پیشوای اسماعیلیه به اروپا فرستاده شد و از اروپاییان خواستند تا در دفع این دشمن مشترک با یکدیگر همکاری کنند ولی طبق نظر پطرس، اسقف وینچستر گفته بود بگذارید این سگان یکدیگر را بدرند تا نابود شوند و آن‌گاه ما بر بازمانده دشمنان مسیح بزنیم و همه را تباہ سازیم و زمین را از وجود آنها پاک گردانیم (براون، ۱۳۵۷، ج ۳: ۶؛ مرتضوی، ۱۳۷۰: ۲۸۱؛ ویلتس، ۱۳۵۳: ۶۸).

با هجوم مغولان به لهستان و مجارستان ورق برگشت، اروپا اکنون خود را در برابر یک قدرت تازه

نفس می دید که به قول ژولیان هدف آنها تسخیر جهان بود. در این زمان جنگهای صلیبی موقتا قطع شده بود، گراگوار نهم جنگ صلیبی را در برابر مغولان اعلان کرد و نامه هایی برای طلب کمک به تمامی دربارهای اروپا فرستاد و وقایع نگاران از جمله ماتیوپاریس و کشیشان ماجرای وصف تباهی و کشتار وسیع مغولان را به گوش پاپ رساندند، اروپا دیگر این قوم را به چشم منجی نگاه نمی کرد که آمدند برای رهایی اروپا از سیطره مسلمانان بلکه به اعتقاد پاپ، آنها یک پتک و غضب الهی بودند (بیانی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۵۴).

واکنش مسیحیت

در طول سالهای پر ماجرای ۱۲۴۲-۱۲۳۷ میلادی مرگ و وحشت در سراسر اروپای خاوری از خود جای پا گذاشت و دنیای مسیحیت قانع شد که تاتارها مردمی نیستند که بشود به آن ها اعتماد کرد و از آن ها انتظار همکاری برای نابودی اسلام را داشته باشند. مغولان با وحشی گری بی طرفانه ای، مسلمانان و مسیحیان هردو را یکسان در هم می کوبیدند. با عقب نشینی نیروهای باتو، اروپا فرصتی یافت تا چاره اندیشی کند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۹۴). اما نفاق های بین پاپ و فردریک نه تنها اروپا را از بسیج شدن برای کمک به مغولان بازداشت، بلکه سراسر اروپا بی دفاع در مقابل هجوم مغولان ماندند و لشکریان مغولان کرواسی و زاگرب را تسخیر کردند (ویلتس، ۱۳۵۳، ۷۴).

زمانی که اینوسان چهارم بر کرسی سن پیترو نشست، تصمیم گرفت تا یک هیأت سیاسی، به ریاست ژان پلان کارپینی نزد پیشوایان مغول بفرستد و به تهاجمات مغولان در اروپای شرقی معترض شود و از آنها درخواست کند تا دین مسیحیت را بپذیرند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۹۴).

رفع خطر از اروپا

هیچ گاه جهان مسیحیت این گونه لب پرتگاه نابودی قرار نگرفته بود، در بهار ۱۲۴۲ میلادی مغولان در چند مایلی وین به ناگهان و بی هیچ دلیل آشکاری دست از حمله کشیدند و همه لشکریان مغول از اروپای میانه برگشتند، این عقب نشینی برای اروپاییان وحشت زده به مثابه یک معجزه بودولی علت

آن، خبر درگذشت اوکتای خان مغول بود، و وجود شاهزادگان و سران سپاه برای شرکت در قوریلتای انتخاب امپراطور جدید الزامی بود (ویلتس، ۱۳۵۳: ۷۴).

یک سوال که مد نظر اکثر مورخین و محققین است، چرا پس از مرگ اوکتای نیروی فاتح مغول هرگز به طور کامل به مجارستان بازنگشت در جواب این سوال نظریه پردازی های ارائه شده از جمله این که گرچه این عقب نشینی به دنبال مرگ اوکتای بوده است ولی در حقیقت باتو برادر زاده اوکتای نگران پیامد های مرگ خان بود. باتو در جریان نبردهای سال های گذشته با بوری، نوه جغتای خصومتی پیدا کرده بود و همچنین میان باتو و گیوگ فرزند و جانشین بالقوه اوکتای عداوتی آشتی ناپذیر پدید آمده بود و با به قدرت رسیدن گیوگ، وضعیت پر مخاطره ای برای باتو به وجود می آمد پس او با استقرار در دشت قبچاق بهتر می توانست از منافع خود دفاع کند تا آنکه در اروپا به نبرد ادامه دهد (مورگان، ۱۳۷۱: ۱۶۹).

به دنبال مرگ اوکتای فرصتی مناسب برای جمع آوری نیرو برای اروپا فراهم شد ولی به دنبال اختلافات پاپ و دربار از این فرصت بهره برداری نشد و آنها چاره را در این دیدند تا هر چه زودتر گروهی برای تحقیق در مورد مغولان و قصد نیت آنها راهی دربارشان کنند (نوایی، ۱۳۷۰: ۴۶).

نخستین تماس های مستقیم غرب با مغولان

در آغاز سال ۱۲۴۵ میلادی پاپ اینوسان چهارم هیأت هایی که اعضای آن از ارکان فرقه های فرانسیسی و دومینیکی بودند را رهسپار مشرق زمین کرد. عمده ترین این هیأت های فرانسیسی عبارتند از: ژان پلان کارپن و همراهش بندیک لهستانی و گیوم روبروکی و ژان مونت کورونو، در همان اوقات دو کشیش دومینیکی دیگر به نام لومبارد آسلیفوس و آندره لونگزو مویی از راه لبنان به همراه نامه هایی از طرف پاپ نزد مغولان رفتند، نامه های پاپ دارای چند مضمون بود، یکی جنبه کاملاً مذهبی داشت و خواستار پذیرش دین مسیحیت بودند و طی نامه دیگر از فرمانروای مغولان خواسته بودند که دست از حمله بردارند و از پیشنهاد صلح مردم اروپا استقبال کنند (دورا که ویلتس، ۱۳۵۳:

هیأت فرستاده شده از طرف پاپ اینوسان چهارم هنگام جلوس خان جدید پسر اوکتای وارد مغولستان شد. سفرا ابتدا به اردوی باتو در کنار رود ولگا رفتند و سپس به اردوگاه خان در قراقروم رهسپار شدند تا در تاجگذاری خان بزرگ گیوگ حضور به هم برسانند، قصد اصلی این هیأت کسب اطلاعات در مورد نیروی نظامی مغولان و برنامه جنگی آن‌ها بود و این وظیفه را پلان کارپن به خوبی انجام داد (پلان کارپن، ۱۳۶۳: ۱۸).

پاپ به سفرا اختیار داده بود که هرگونه مناسب بداند، نامه‌ها را تقدیم کنند و به نحو مقتضی بهره بگیرند ولی به ژان کارپن امر شده بود که شخصا به دربار مغول رود و نامه‌ها را تقدیم کند (ویلتس، ۱۳۵۳: ۸۲).

پذیرش سفرا نزد مغولان از اختیارات انحصاری فرمانروا نبود، شاهزادگان و وزرا نیز مجاز بودند که سفرای خارجی را به حضور بپذیرند ولی این اختیار به حکام داده نمی‌شد، معمولاً مردان به عنوان سفیر اعزام می‌شدند و تنها داود پنجم پادشاه گرجستان یک بار هیأتی از زنان را به چنین مأموریتی فرستاد و مورد استقبال گرم مغولان قرار گرفتند (اشپولر، ۱۳۶۵: ۳۶۲).

نحوه پذیرش نمایندگان خارجی یکسان نبود و گاهی اجازه ورود به خیمه خان به آنها داده نمی‌شد، سفرا در اقامتگاه خود مجاز بودند که با یکدیگر و با آشنایان و حتی مغولان و راهبان و کشیشان مسیحی ملاقات داشته باشند و هنگام ترک مقر خان، سفرا نیازمند مجوز از جانب فرمانروا بودند به آنها پاییزه (لوح، فرمان) داده می‌شد تا ضامن مال و جان آنها در راه بازگشت به کشورشان باشند، آن‌ها مایل بودند که سفرایی از جانب آنها به مغرب زمین فرستاده شود ولی راهبان مسیحی از این که سفرا را با خود ببرند خودداری می‌کردند (همان: ۳۷۰).

با به قدرت رسیدن گیوگ عصر رونق مسیحیت در امپراتوری مغول آغاز گردید و با انتشار خبر رونق مسیحیت، از گوشه و کنار اروپا سیل مسیحیان از روحانیان و طبیبان و بازرگانان و سفرا به دربار وی سرازیر شدند و هتیوم شاه ارمنستان برای برقراری اتحاد با مغولان، سمباد، برادرش را نزد گیوگ فرستاد، گیوگ از تمکین و اظهار دوستی شاه ارمنستان آگاه شد و دریافت که هتیوم قصد دارد مسیحیان شرقی را با مغولان بر ضد مسلمانان متحد سازد پس طبق یک برلیخ هتیوم را از حمایت خود

برخوردار ساخت (بیانی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۸۱-۱۸۰).

ژان پلان کارپن پس از بازگشت شرح سفر خود را از هرآن چه دیده و شنیده بود، منتشر کرد. او در گزارش خود تمام جزئیات امور زندگی در اردوی مغول از جمله احترام نسبت به بزرگتران و انضباط در جنگ، و عفت و پاکدامنی زنان مغول را به خوبی شرح می دهد (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۰).

جای شگفتی دارد که با وجود آمدن هیأت ها و انجمن های مذهبی در مناطق مختلف ایران باز چشم انداز خاوری اروپا، چهره استوار و روشن نیافته بود و پیش از سفر مارکوپولو به جز جغرافی دانان عهد باستان در اروپا، کسی آگاهی درستی درباره ایران نداشت (گابریل، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

در سال ۱۲۵۳ لویی نهم یک هیأت به ریاست روپ روکویس تجهیز کرد به مغولستان اعزام کرد، روپ روکویس شرح مفصل و روشنی از این سفر به یادگار گذاشت. تألیف او یگانه مأخذ در مورد فعالیت نمایندگان سه مذهب جهانی مسیحیت، بودایی و اسلام و طرز زندگی نستوریان، وضعیت کلیساهای آنها است. وی اذعان داشته که اعزام آنها فقط جنبه مذهبی داشته نه جنبه سیاسی، شاید او فهمیده بوده که نمایندگان مذهبی بیشتر مورد توجه قرار می گیرند (بارتولد، ۱۳۵۱: ۸۴). لازم به ذکر است که روابط خانان مغول با اروپا همیشه دارای یک ثبات و به یک شکل نبوده است بلکه گاهی کم رنگ و گاهی پررنگ تر شده است.

هلاکو خان حامی مسیحیان و خواهان برقراری رابطه با مغرب زمین

پس از تسخیر قلاع اسماعیلیه توسط هلاکو مسلمانان سنی مذهب خوشحال شدند و او را مجاهدی در راه اسلام دانستند. اما پس از فتح بغداد و کشته شدن خلیفه عباسی این بار مسیحیان خشنود شدند. هلاکو می دانست که با این کار می تواند نظر پادشاهان مسیحی را جلب کند؛ زیرا چند صباحی بعد از این واقعه پادشاه ارمنستان، هتیوم اول، پیمان دوستی و همکاری با او بست، ظاهراً پیش بینی وی درست بود (جوادی، ۱۳۵۱: ۱۴-۱۵).

در این زمان مسیحیان ایران خان مغول را منجی خود می پنداشتند و سعی داشتند از قدرت او برای کمک به مسیحیانی که در شام و مصر با مسلمانان می جنگیدند استفاده کنند و آیین اسلام را از آسیا و

آفریقا براندازند. این احتمال وجود دارد که یورش هلاکو به شام و مصر نتیجه تحریکات مسیحیان ایران باشد (همدانی، ۱۹۴۰: ۲۶، گروسه، ۱۳۶۸: ۵۸۱). مقاومت مسلمانان در شام و مصر مغولان را همچون صلیبیون در دستیابی به سرزمین بیت المقدس ناکام گذاشت. این موضوع دربار خان بزرگ در چین و ایلخانان ایران را با دستگاه پاپ نزدیک ساخت و موجب شد در دوره ایلخانان نامه نگاری های دوستانه و اتحاد میان ایلخانان ایران، پاپ ها و پادشاهان مسیحی ادامه داشته باشد (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۷۷؛ دستغیب، ۱۳۶۷: ۶۲).

شکست عین جالوت نقطه عطفی در تاریخ قرون وسطی بود که از طرفی جلوی پیشرفت مغولان به سوی مدیترانه را گرفت و استقرار قدرت ممالیک را تا زمان فتح عثمانیان ۹۲۳ق/۱۵۱۷م تضمین کرد و از سوی دیگر ضربه هایی مهلک به مستملکات صلیبیون در خاورمیانه وارد آورد (اقبال، ۱۳۶۴: ۱۹۵).

رهسپار شدن هیأت سفارتی هلاکوخان مغول به دربار پاپ

هولاکوخان به منظور یافتن متحدانی در میان مسیحیان، هیأتی از مغول ها که مرکب از چند نفر بودند با پیشنهاد اتحاد، برای کوبیدن اسلام روانه دربار پادشاهان اروپا کرد. این هیأت در سیسیل گرفتار مانفرد شد و تنها یک نفر توانست به روم برسد و پیام هلاکو را به پاپ اوربان چهارم برساند. پاسخ اوربان محتاطانه و دوستانه بود. پاپ خان را به سبب رفتار کریمانه که با مسیحیان در پیش گرفته بود، ستود و او را با یادآوری این که دیگر اعضای خاندانش مسیحی شدند به گرویدن به مسیحیت تشویق کرد. پیام پاپ هنگامی به ایران رسید که هلاکو مرده بود (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۴۶).

حکومت اباقا خان و فرستادن سفیر به دربار پاپ کلمان چهارم

میخائیل هشتم فرمانروای روم شرقی یک هیأت حسن نیت به ریاست یکی از روحانیون مهم به همراه دخترش مریم برای همسری هلاکو از قسطنطیه به دربار هلاکو فرستاد ولی قبل از رسیدن هیئت، هلاکو درگذشت و ازدواج شاهزاده با جانشین خان اباقا سرگرفت (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۷۹).

اباقا خان از یک سو خود را میان اردوی زرین و ممالیک گرفتار می دید و از سوی دیگر حلب و

دمشق در دست بیبرس بود و هیتوم، پادشاه ارمنستان، متحد سرسخت مغولان نیز از مصریان شکست خورده و سرزمینش را به غارت رفته تصور می کرد، پس در این اندیشه افتاد که اتحاد با عیسویان می تواند کمک مهمی برای او باشد (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۲۸۴).

دوران اباقا خان نقطه عطفی در روابط میان دربار مغول و دربار مسیحیان به شمار می رفت وی در نظر داشت با کمک کشور های مسیحی به سرزمین های ممالیک بتازد و با این نیت سفیری به دربار پاپ کلمان چهارم فرستاد (براون، ۱۳۵۷، ج ۳: ۲۵).

پاپ نیز در جواب نامه اباقا خان که به خط او یغوری نوشته شده بود شرحی نوشت و درخواست کرد تا اباقا خان به زبان لاتین به او نامه نگاری کند (اقبال، ۱۳۶۴: ۲۰۳).

پاپ در این نامه از کار هایی که بر ضد مخالفان خود انجام داده بود، برای ایلخان مطالبی نوشت و وعده داد با یاری پادشاهان عیسوی اروپا در جنگ بر ضد مسلمانان از او جانبداری کند. از آن پس مبادله هیأت های سفارت میان تبریز که پایتخت ایلخانان بود، با دربار های اروپا ادامه یافت. در این زمان اوضاع به گونه ای دیگر شده بود؛ زیرا نخست اروپایی ها خواستار دوستی با تاتاران بودند و بیهوده می کوشیدند نظر آنان را جلب کنند، اما بعدها تاتار ها بودند که در صدد جلب نظر پاپ برآمدند. پاپ که علاقه آنان را می دید، شرط ادامه گفتگو ها را، گرویدن ایلخان به مسیحیت قرار داد، اما برخی از سران اروپا که با اوضاع سیاسی بیشتر آشنا بودند اتحاد نظامی با تاتار ها را برای از بین بردن ممالیک عاقلانه نمی دانستند؛ زیرا می اندیشیدند که پس از برانداختن ممالیک، مغول به اروپا خواهد تاخت (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۴۷).

اباقا خان در سال ۱۲۶۹ م سفیرانی به دربار پادشاه ولایت آراگون فرستاد و از او خواست با دیگر کشور های مسیحی متحد شود و از جانب اروپا بر مسلمانان بتازد ولی به سبب کهولت سن و مخالفت سرداران نتوانست به این امر اقدام کند (اقبال، ۱۳۶۴: ۲۰۳).

اباقا در طی زمامداری خود چندین بار سفرائی را با هیأت هایی به دربار پادشاه ولایت آراگون و هیأتی به اروپا و یک هیأت به دربار پاپ گراگوار در شهر لیون و هیأتی به دربار ادوارد اول پادشاه انگلیس فرستاد تا آنها را تشویق کند تا با ایلخانان همکاری کند برای حمله به مصر، ولی این تلاش ها

نتیجه نداد زیرا اروپا دیگر انگیزه لازم برای آزادی سرزمین مقدس را نداشت و اروپاییان ترجیح دادند با مصریان گفتگو کنند و سرانجام این گفتگوها به صلح انجامید (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۱۲۱).

پس از مرگ اباقا خان برادرش تکودار به سلطنت رسید. وی پس از آمیزش با مسمانان به این دین علاقه مند شد و اسلام آورد و در صدد روابط دوستانه با مملوکان مصر بود و روابطی دوستانه با اروپا برقرار نکرد (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۳۵۳).

روابط ارغون خان با اروپا

ارغون خان مانند پدرش خواهان اتحاد با دول مغرب زمین بود، وی در سال ۶۸۸ ق هیأتی به رهبری ابن صوما را به اروپا فرستاد و پاپ به امید اینکه ارغون به مسیحیت برگردد از سفرای او استقبال بی نظیری به عمل آورد، ارغون مجدداً بیسی کارلو از اهالی ژن که در دربار ایلخانان خدمت می کرد را با مکتوب هایی برای پاپ و شاهان فرانسه و انگلیس به اروپا فرستاد. ایلخان در این نامه ها اظهار امیدواری کرده بود که حمله مشترکی از جانب اروپاییان و ایران به مصر انجام شود. پاپ نیکولای چهارم از آمدن سفرا به اروپا بسیار خوشحال شد و استقبال خوبی از سفرا کرد. گزارش سفرا برای دربار پاپ حاکی از این بود که ارغون به منظور تحکیم اصول جامعه مسیحیت قصد حمله به مصر را دارد و پس از تصرف بیت المقدس مسیحی می گردد، در ظاهر نتیجه این مذاکرات یک پیمان اتحاد تلقی می شد ولی با مرگ نیکولای چهارم روابط بین دربار ایلخانان با اروپا به سردی گرایید (اشپولر، ۱۳۶۵: ۲۳۴-۲۳۳، پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۳۵۶).

فرستادن هیأت سفارتی سنای ژن و ادوارد اول به دربار ارغون خان

در حدود سال ۱۲۸۸ م سنای ژن به وسیله ویلهلم آدام که بعداً اسقف اعظم کاتولیک سلطانیه گشت طرح زیر را به ارغون خان پیشنهاد کرد، که ناوگان جنگی مغول باید تمام جهازات تجاری که از هندوستان می آیند را بگیرند و نگذارند از طریق دریای سرخ به مصر بروند و مجبورشان کنند که به بندر هرمز در خلیج فارس بروند بدین طریق تجارت بین هندوستان و کشورهای کرانه مدیترانه تماماً از

طریق ایران صورت خواهد گرفت و تمام منافع این تجارت عاید امپراطوری ایلخانان و بازرگانان ژن شود و ضربه قاطعی به راه ترانزیتی مصر و ونیز وارد می آمد ولی ایلخانان نتوانستند این نقشه را اجرا کنند زیرا ناوگانی نیرومند نداشتند (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۳۵۶).

ادوارد اول، پادشاه انگلستان و فیلیپ لوبل، پادشاه فرانسه، موضوع اتحاد نظامی و روابط سیاسی با ایلخانان را جدی می پنداشتند و هیأت هایی را به دربار ارغون خان فرستادند، وی به هیأت های فرستاده شده جواب مساعد داد و همین گسترش روابط سیاسی موجب شد تا ثروت روحانیون مسیحی در ایران افزایش یابد (نوایی، ۱۳۷۰: ۵۳-۴۶).

روابط گیخاتو و بایدو با اروپا

پس از ارغون خان، گیخاتو به قدرت رسید و هیأت های سیاسی ادوارد اول، نخستین گروه رسمی بودند که با گیخاتو دیدار کردند. گیخاتو با احترام بسیار از آنان پذیرایی کرد. در همین زمان شهر عکا توسط مسلمانان فتح شد و واپسین جای پای مسیحیان در کرانه های شرقی دریای مدیترانه به دست مسلمانان افتاد و این گروه در سال ۱۲۹۲ م به کشور خود بازگشتند. در زمان حکومت گیخاتو یک هیأت کاتالانی از اسپانیا وارد تبریز شد، ورود این هیأت مقارن با ورود مارکوپولو در تبریز بود. سرپرست هیأت اسپانیایی با شخصی به نام پدرو پورتیس بود. این هیئت حامل نامه ای برای ایلخان گیخاتو بود و مقاصد سیاسی در پی این نامه بود ولی در پی مرگ گیخاتو نتیجه مثبتی برای هیأت اسپانیایی حاصل نشد (گابریل، ۱۳۸۱: ۱۳۹؛ نوایی، ۱۳۷۰: ۵۳).

سلطنت غازان

به قدرت رسیدن غازان در سال ۶۹۵ ق از دو نظر اهمیت دارد، نخست آنکه وی به اسلام گرویده بود و در دین تعصب داشت و از سوی دیگر با مرگ قویلای قاآن، اطاعت و فرمانبرداری ایلخانان نسبت به دربار خانابلیغ به کلی از میان رفت و سلاطین مغول ایلخانی استقلال تام یافتند (همدانی، ۱۹۴۰: ۸۰-۷۸). غازان خان با وجود تعصب به دین اسلام برای تکمیل پیروزی های خود در سرزمین های اسلامی

و فلسطین مایل بود با اروپا روابطی دوستانه برقرار کند، بنابراین در ۱۸ شعبان سال ۷۰۲ ق نامه ای به بونیفاس هشتم نوشت که متن اصلی این نامه در بایگانی های واتیکان پیدا شده است. در این نامه غازان خان به بونیفاس هشتم و شاهان مسیحی پیشنهاد داده بود سپاهی آماده کند تا با یاری یکدیگر بر ممالیک بتازند (باسورث و دیگران، ۱۳۷۱: ۳۶۷). غازان خان برای این که از کمک اروپایی ها استفاده کند، در سال ۷۰۲ ق بوسکارلو جنوایی را به اروپا فرستاد. بوسکارلو در پاریس به حضور فیلیپ لوبل رسید و سپس به دربار ادوارد اول، پادشاه انگلستان رفت و پس از طرح دوباره اتحاد میان شرق و غرب برای رویارویی با ممالیک به ایشان اطمینان داد که غازان خان به دین مسیح گرویده است. غازان خان گویا از همکاری نکردن قدرت های مسیحی شکایت کرده بود، چون ادوارد در جواب خود در تاریخ ۷۰۲ ق می گوید که اختلافات موجود میان پادشاهی مسیح برطرف شده و همه آنان برای بازگرفتن سرزمین مقدس متحد خواهند شد، اما هنگام بازگشت بوسکارلو به ایران، پادشاه ارمنستان با ممالیک صلح کرد و غازان خان در مرج الصفر شکست خورد (اقبال، ۱۳۶۴: ۲۹۳). در مجموع سیاست غازان خان، اسلامی و ضد مصری و به عبارت دیگر سیاست اسلامی - ایرانی، در برابر سیاست اسلامی - عربی بود. او نیز از اصول سیاست جهان گشایی چنگیزی غافل نبود و با حفظ روابط دوستانه با دولت های مسیحی می کوشید تا بتواند دولت مصر و شام را از سر راه بردارد (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۱۲۲).

سلطنت اولجایتو و ابو سعید

غازان خان به تاریخ ۷۰۳ ق وفات یافت و برادر کوچک تر او اولجایتو به جای او بر تخت نشست. وی از طرف مادرش اوروک خاتون که شاهزاده خانمی نستوری مذهب بود تعمیم یافت و نام شرعی او را نیکولا گذاشتند ولی بعدها در تحت نفوذ و اصرار یکی از زوجات خود مسلمان شد. از لحاظ سیاست خارجی اولجایتو با اینکه تعصب مذهبی داشت سیاست آباء و اجدادی خودش را به مانند غازان خان تعقیب نمود یعنی مبارزه با مملوک ها و اتحاد با اروپای مسیحی و سفیری به نام توماس ایلدوچی را که مسیحی بود را به دربار اروپاییان مسیحی اعزام داشت و تسخیر سوریه را در رأس سیاست خارجی خود قرار داد، نامه هایی را به همین مناسبت به پاپ کلیمان پنجم و پادشاه فرانسه فیلیپ لوبل و پادشاه

انگلیس «ادوارد» دوم نوشت (گروسه، ۱۳۷۹: ۶۳۰-۶۲۸).

در تمام دوره سلطنت ایلخانان بر ایران، پاپ‌ها همیشه واسطه ارتباط میان پادشاهان اروپایی و ایرانی بوده‌اند. برخلاف علاقه پاپ به اتحاد با الجایتو بر ضد مسلمانان مصر و شام، نامه نگاری‌های پادشاهان اروپایی هرگز از حد مبادله نامه و تعارف فراتر نرفت و جنگ‌های داخلی اروپا مجالی برای توجه به شرق به آنان نمی‌داد (جوادی، ۱۳۵۱: ۳۹).

ادوارد دوم در نامه‌ای به الجایتو دین اسلام را نکوهش می‌کند و از وی می‌خواهد تا آن را ریشه کن کند و سرزمین مقدس را از وجود مسلمانان پاک کند در حالی که اولجایتو خود را آن قدر مسلمان می‌دانست که مصریان را به خاطر تزلزل در حفظ اصول اسلام سرزنش می‌کرد (اشپولر، ۱۳۶۹: ۲۳۶-۲۳۵).

اولجایتو در سال ۷۱۶ ق درگذشت، در این زمان ابو سعید فرزند دوازده ساله وی در مازندران بود. او با عجله به سمت سلطانیه حرکت کرد و در روز اول ماه صفر، سال ۷۱۷ ق. بر تخت پدراشش جلوس کرد. ابو سعید در سال ۷۲۳ ق با سلطان مصر صلح کرد و رودخانه فرات، مرز میان دو کشور شناخته شد و سوریه به مصر واگذار گردید، در این میان پادشاه ارمنستان صغیر با وجود این که سال‌ها رابط میان قدرت‌های غربی و مغول‌ها بود، طعمه مصر شد (جوادی، ۱۳۵۱: ۴۰).

پاپ‌ها نیز بیهودگی هر نوع کوشش برای تدین ایلخانان به دین مسیح را دریافتند، گرچه پاپ ژان بیست و دوم ابو سعید را در سال ۷۲۲ ه. ق بار دیگر به قبول مسیحیت و کمک به شاه ارمنستان صغیر در برابر ترکان دعوت کرد اما در واقع به اعزام مبلغین برای اشاعه دین مسیحیت در میان عامه مردم قناعت نمود. با زوال دولت مغولان، موسسات دینی را که سازمان‌های مغرب زمین بنیان‌گذاری کرده بودند، در هرج و مرج زمانه از بین رفتند و گروه زیادی از راهبان در المالیغ واقع در ماوراءالنهر بی‌رحمانه به قتل رسیدند و بر اثر طاعون سال ۷۴۹ بقایای سازمانهای مسیحی را در خاورمیانه و خاور نزدیک از میان رفت (اشپولر، ۱۳۶۵: ۲۳۸-۲۳۵).

اما تشکیل امپراطوری مغولان توسط چنگیز، برای اولین بار در تاریخ جهان نخستین پیوند واقعی را

بین خاور دور و اروپا برقرار ساخت و پیوندهای فرهنگی چندی بین این دو دنیا برقرار کرد، البته این پیوندها لطماتی به همراه داشت. فتوحات چنگیز نتایج خون بار و تباهی ارزش های فرهنگی را به دنبال داشت، اگر ما مقدار خسرانی که اروپائیان در برخی نواحی متحمل شدند را به حساب نیاوریم، اروپا به گونه ای از این فتوحات کامیاب شد و قدرت نیرومندی که اسلام حدود شش قرن بین دو دنیا حائل کرده بود از میان برداشته شد و تماس هایی بین شرق و غرب برقرار گردید.

نتیجه

حمله مغول برای ممالیک شرقی اسلامی مخصوصاً ایران، بلایی خانمان سوز بود و علاوه بر کشتار مردم و ویرانی بلاد، به سازمان اجتماعی و اقتصادی کشور لطمه ای جبران ناپذیر وارد آمد و پیشرفت علم و فرهنگ مدت زمانی دچار وقفه و رکورد شد. در آستانه حمله مغول به ممالیک شرقی، اوضاع سیاسی اروپا بسیار متشنج بود اروپائیان درگیر جنگهای صلیبی بودند. مادامی که مغولان در مناطق مسلمان نشین و مرزهای شرقی در حال تاخت و تاز بودند، اروپائیان نه تنها واکنشی نشان ندادند بلکه منتظر حذف رقیب بودند اما با حمله مغولان به مجارستان و لهستان ورق برگشت و اروپا تنها متوجه این خطر بزرگ شدند و کوشیدند تا با سیاستی فعال روابطی سیاسی میان جهان مسیحیت و امپراتوری مغول برقرار کنند و آمد و رفت نمایندگان و سفرا را فعال تر کنند. البته وجود خوانین و مشاوران و وزرای مسیحی در دربار مغولان موجب افزایش نفوذ اروپائیان می شد. تردیدی نیست که اقدامات دربارهای اروپا در زمینه ایجاد روابط دوستانه با دربار مغولان به خاطر مقاصد سیاسی و مذهبی بود و در جهت تحریک آنان بر علیه مسلمانان مصر و شام و خارج ساختن اماکن مقدسه و مسیحی از تصرف مسلمانان به دست مغولان بود، و این نیت در صورتی عملی می شد که یا سلاطین مغول به دین عیسوی در می آمدند و یا حتی المقدور به دیانت مسیحی و مسیحیان تعلق خاطر پیدا می کردند. از طرفی خصومت ایلخانان با دولت ممالیک مهم ترین و شاید تنها علت علاقه آنها به حفظ و ادامه روابط دوستانه با دربارهای مسیحی بود. ولی سرانجام سلاطین ایلخانی تحت تأثیر عنصر ایرانی مسلمان

شدند و با دولت مصر صلح کردند ولی اندیشه حفظ روابط دیرین با دربار مغول و اتحاد با ایلخانان برای نابود کردن مسلمین مصر و شام همچنان در دربار های مغرب زمین باقی ماند.



کتابنامه

- ۱- اشپولر، برتولد، **تاریخ مغول در ایران**، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات فرهنگ.. ۱۳۶۵.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس، **تاریخ مغول (از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری)**، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۳- بارتولد، واسیلی ولادیمیر ...، **خاورشناسی در روسیه و اروپا**، ترجمه حمزه سردادور، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۶۴.
- ۴- باسورث و دیگران، **تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان)**، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۵- براون، ادوارد، **تاریخ ادبی ایران**، ترجمه علی اصغر حکمت، ج ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷.
- ۶- بیانی، شیرین، **دین و دولت (از تشکیل حکومت مغولان تا تشکیل حکومت ایلیخانان)**، ج ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- ۷- -----، **دین و دولت (حکومت ایلیخانی: نبرد میان دو فرهنگ)**، ج ۲، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱. *پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- ۸- -----، **دین و دولت (سیاست خارجی ایلیخانان در جهان اسلام)**، ج ۳، تهران، مرکز دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- ۹- پیگولوسکایا و دیگران، **تاریخ ایران (از دوره باستان تا سده هجدهم میلادی)**، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۴.
- ۱۰- جوادی، حسن، **ایران از نظر سیاحان اروپایی**، مجله بررسی های تاریخی، سال هفتم، شماره پنجم، ۱۳۵۱.
- ۱۱- دستغیب، عبدالعلی، **هجوم اردوی مغول به ایران**، تهران، انتشارات علم، ۱۳۶۷.

- ۱۲- ساندرز، ج. ج، **تاریخ فتوحات مغول**، ترجمه ولی ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۱.
- ۱۳- کارپن، پلان، **نخستین سفیر واتیکان در ایران**، ترجمه پرویز رجبی، تهران پرویز رجبی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳.
- ۱۴- گابریل، الفونس، **مارکوپولو در ایران**، ترجمه پرویز رجبی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱.
- ۱۵- گروسه، رنه، **امپراطوری صحرانوردان**، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۱۶- مرتضوی، منوچهر، **مسائل عصر ایلیخانان**، تبریز، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۷- مورگان، دیوید، **مغولها**، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۱.
- ۱۸- نوایی، عبدالحسین، **ایران و جهان از مغول تا قاجاریه**، ج ۱، تهران، انتشارات هما، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- ۱۹- ویلتس، دوراکه، **سفیران پاپ به دربار خانان مغول**، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۳.
- ۲۰- همدانی، خواجه رشید الدین فضل الله، **تاریخ مبارک غزالی**، تصحیح کارل یان، انگلستان، انتشارات هر تفورد، ۱۹۴۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی